

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۰ جنوری ۲۰۰۹

مار مُرده را هر کس لگد میزند!!!

رفتن بوش و آمدن اوباما

طنز

از بدو سخن باید بگویم که وقتی از "لگد مال کردن و کشتن مار" سخن میگویم، هرگز منظورم این نیست که مار و گُردم و خزنده و چرنده و درنده را باید درید و از زندگی ساقط ساخت. من با فرموده هشتصد سال پیش حضرت سعدی شیرازی که "ترحم بر پلنگ تیز دندان" "ستمگاری بود بر گوسفندان"، موافق نیستم، چون :
هر موجود زنده درین طبیعت حق دارد و این جهان محض بخاطر گل روی انسان و اولاد آدم آفریده نشده. ترحم حضرت سعدی بر گوسفند، ترحم بر گوسفند نیست ، بلکه ترحم بر شکم بی هنر پیچ آدمیزادگان است!!!

گپ بر سر آن بود که مار مُرده را هر کسی با لگد میزند، اما مردی آنست که کسی این کار را در حق یک مار زنده نماید. و برویم بسراغ هردو مار؛ یکی "شیر مار"ی که اکنون تاریخ مصرفش بسر آمده و به مزبله تاریخ افتیده و دیگر "سیاه مار"ی که نو بدوران رسیده.
امروز روزیست ممتاز در تاریخ اتازونی، چون رئیس جمهور کهنه میرود و رئیس نو می آید. "کهنه" میرود و خانه را برای "نو" خالی میکند، که هرچه دیر بپاید بگنجد؛ و به گفته زنان ارجمند کابلی :

"نو آمد در بازار، کهنه شد دل آزار"

مراد من از "دیر پائیدن و گندیدن" این نیست، که جارج دبلیو بوش زمانی گویا "تازه و گوارا" بود و حالا که دیر پائیده گندیده و متعفن گشته است. نه هرگز!!!! همه میدانند که جارج دبلیو بوش از همان اول کار با خدعه و نیرنگ بر کرسی ریاست جمهوری اتازونی نشست و بعد کارهایی کرد، که در کله انسانان "خالی ذهن" نمیگنجید و ضرورتی نیست که کارنامه شرم آور وی را بازگویم. البته نباید محض و فقط و فقط بوش و موش و امثالش را بخاطر سیاستهای اعمال کرده شان مورد عتاب و توبیخ قرار داد، چون ایشان به مقتضای ایجابات و منافع علیای کشور متبوع خود، عمل کرده اند و غیر از این هم نمی توانستند بکنند!!! هر کس دیگری در جای او می بود، همین طور عمل میکرد!!!

همین اکنون در اخبار تلویزیون رسمی المان، سخنان "انگیلا مرکل" Angela Merkel ، صدر اعظم المان فدرال، را پخش کردند که گفت :

« امید است که رئیس جمهور جدید، یکه تازی نکند....»

سوالی که بلافاصله پس از شنیدن این جمله مطرح می‌گردد، اینست که :
چرا در زمانی که جارج دبلیو بوش بر سر اقتدار بود، این طعنه را برایش ندادید و نگفتید که :
« مستر پرز دنت ، بچه پدر؛ فدای سرت شویم و پیش پایت بمیریم، می‌خواهیم در کمال خضوع و خشوع بگوئیم که ،
سر دو چشم پرخمارت، دو ابروی دمب مار نشسته!!!! »

بلی در آن زمان که "بوش" از اوج قدرت خود و از قصر سفید بر جهان غر میزد، "مرکل" و همتایان و همگان
شرقی و غربی او مثل "موش" و عیناً به مانند جنگسالار معروف افغان، "احمد شاه مسعود"، در غارها پت شده
بودند و چُلل کرده نمیتوانستند. اما حالا که این "مار" هار مرده است، صدای پایدوان دنباله روش بر میخیزد که :

« بوش یکه تاز بود و قلدر بود و سرتنبه و چطور و چنان بود و گپ کسی را نمی شنید....»

عجیب دنیائست و غریب سومناتی!!! تا وقتی که جارج بوش "چوچه" بر سر قدرت بود، همه پیش پایش می افتیدید
و بنده وارسجده اش می‌کردید و حالا که مردک رفته و تحویل "مستراح تاریخ" گردیده است، می آئید و در موردش
بدین رنگ سخن می‌گوئید. واقعاً که شما "نوکر خان جان بودید و نه نوکر بانجان"!!!!

به یاد دارم : در زمانی که جارج بوش کلان بر سریر قدرت تکیه زده بود، یک کارتونس مشهور المانی
کاریکاتوری کشیده و جارج بوش چوچه را نشان میداد که مشق "راکت پرانی" میکند. و در بالای سرش بوش کلان
– همان بوش پدر – رسم شده بود که به پشت پسرک خود تپ تپ زده و با زبان حال میگفت :

"آفرین بچه پدر، تو فرزند حلال زاده منی!!!!"

بعد ها دیدیم که همین "کاوبای" بن. "کاوبای" و ساکن "کاوبایستان" تکساس، چه بلائی را بر سر جهان آورد. و از
همه بیشتر ما افغانان و عراقیان ضرب شست وی را دیدیم و چشیدیم. آری؛ به چشم سر دیدیم که چگونه "صدام" را
در "دام" افگند و چگونه بهانه ای درست کرد، تا بیاید و افغانستان را مفت کالذی جر کند!!!!

جارج دبلیو بوش چوچه با آن زبان گنگ و با آن زبان "بی زبانی" و با آن "بی لبی و بی لانجگی" که از عهده همه
این کارهای خطیر بدر شده توانست، معلوم است که بارک اوباما با آن زبان "شش بلس" خود فحواي گفته بزرگان
ما را صادق خواهد ساخت که :

چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا!!!!